

علت نقص در خلقت چیست؟

خداوند، عالم هستی را بر اساس نظام علت و معلول (اسباب و مسببات) استوار کرده است. هیچ پدیده‌ای بدون علت به وجود نمی‌آید، هر آنچه در عالم هستی محقق می‌شود، ناشی از علت و سبب خاصی است. آتش علت سوزاندن است، پیدایش درخت میوه معلول قرار گرفتن نهال درون خاک با شرایط و کیفیت خاص و آب و هوای مناسب است. پیدایش انسان سالم و زیبا نیز معلول اموری است، همچون شرایط خاص هنگام انعقاد نطفه، کیفیت تغذیه مادر در هنگام بارداری، نوع مواد و غذاها و داروهای مصرفی هنگام بارداری، حرکات فیزیکی مادر در هنگام بارداری و...

هر یک از امور فوق در پیدایش نوزاد سالم و زیبا مؤثر است. بینا و نابینا تولد یافتن یک فرد لازمه حتمی مجموعه عواملی است که در به وجود آمدن وی مؤثر بوده‌اند.

2. اراده حکیمانه‌ی خداوند که تحقق هر پدیده‌ای را معلول علت خاصی قرار داده، موجب قوام زندگی موجودات و از جمله انسان است. اگر اصل علیت بر جهان هستی حکمفرما نبود، هیچ کاری نمی‌توانستیم انجام دهیم و هیچ تصمیمی برای انجام کاری نمی‌توانستیم بگیریم. در آن صورت، پدید آمدن هر چیزی از هر امر نامربوطی ممکن و محتمل بود. به تعبیر معروف، اگر قانون علیت نبود، سنگ روی سنگ نمی‌ایستاد.

3. لازمه نظام علت و معلولی حاکم بر جهان هستی، تحقق پدیده‌ها به دنبال علت آن هاست. یعنی همان گونه که بر اساس نظام علت و معلولی، استفاده بیمار عفونی از آنتی‌بیوتیک موجب سلامت یافتن و بهبود بیمار است، استفاده از این دارو در هنگام بارداری روی جنین اثر می‌گذارد و موجب اخلاص در آن و ناقص‌الخلقه شدن نوزاد خواهد شد. همان گونه که قانون جاذبه زمین موجب آسایش انسان‌ها و ساختن بناهای بلند و زندگی و حرکت روی کره زمین است، قانون جاذبه باعث می‌شود که اگر کسی از ارتفاع بپرد، با زمین برخورد کند و بمیرد. همان طور که آتش علت سوزاندن است و برای انسان منافعی مانند روشن کردن کوره‌های ذوب آهن و یا پختن غذا دارد، اگر آتش به خانه یا بدن انسان برسد علت و سبب سوزاندن و از بین رفتن آن‌ها می‌شود و...

4. اینکه همه آنچه را در جهان هستی رخ می‌دهد، به خداوند استناد می‌دهیم، از جمله تولد نوزاد را بدین جهت است که خداوند جهان را بر اساس نظام علت و معلول و اسباب و مسببات استوار کرده، به علت، وجود و قدرت تأثیرگذاری داده است. هر آن و هر لحظه وجود علت و قدرت تأثیرگذاری آن، از خداوند وابسته و قائم به اوست. بنابراین پیدایش افراد ناقص‌الخلقه مستند به علل و اسباب خاص آن است. کاملاً همخوان با حکمت الهی است زیرا اگر قرار باشد همه رفتارها و اعمال ما به نتایج خوب و مطلوب ختم شوند، ساختار عالم به هم می‌خورد. ارزش نیکی و خیر از بدی و اشتباه شناخته نمی‌شود؛ یا باید بپذیریم قوانین منظم و معینی در عالم وجود داشته باشد و معلول‌ها نتیجه علت‌های شان باشند و یا همه چیز در عالم متغیر و بدون پیش‌بینی خواهد بود.

در نتیجه انتظار اینکه خداوند نتیجه علت هایی را که به تولد یک نوزاد معلول منجر می شود، به تولد نوزادی سالم دگرگون کرده یا اساسا موجب مرگ آن کودک گردد، نامعقول است، زیرا هم با اصل علیت منافات دارد و هم با حکمت های الهی، چون این کار، مانع شدن از امکان رشد و بالندگی و رسیدن به کمال ممکن، در یک انسان است.

اما حال که وجود چنین ساختار علّی و معلولی ضروری این عالم بوده، در نتیجه چنین تفاوت و تبعیض شدیدی در داشته ها و ساختار وجودی افراد وجود دارد، تکلیف این فرد معلول و ناقص الخلقه با زندگی خود و سعادت که در پیش رو است و تفاوت و تبعیضی که در قبال او به کار رفته چیست؟ معتقدیم دنیا محلی برای آزمودن انسان ها و تجلی کمالات درونی آن ها و رسیدن آن ها به کمالی است که امکان رسیدن به آن را داشتند تا در آخرت نتیجه این تلاش ها و تکامل به افراد داده شود و آن ها زندگی واقعی و حقیقی خود را در آن جهان داشته باشند. اما تفاوت های موجود بین افراد یقینا نتایج مختلفی را رقم خواهد زد. یک فرد ناقص امکان رسیدن به درجاتی از کمال و رشد که برای یک فرد کاملا سالم فراهم است ندارد.

به هیچ وجه این گونه نیست. تفاوت ها به شکلی کاملا دقیق و حساب شده مورد محاسبه قرار می گیرد. انسان ها از این جهت وضعیتی کاملا مساوی را پیش رو دارند. به این شکل که میزان توانایی های ذاتی و روحی و جسمی و تفاوت های محیطی و زمانی و مکانی افراد و همه عواملی که ممکن است به شکلی در سعادت و رشد فرد موثر باشد، به شکلی دقیق حساب شده و بر اساس میزان فرصت افراد برای رسیدن به موفقیت برای آنان مسئولیت و تکلیف در نظر گرفته می شود.

در نتیجه فردی کامل برای رسیدن به کمال و سعادت که از او انتظار می رود، به مراتب تلاشی بیش تر نسبت به فردی که دارای نقص و ناتوانی های گوناگون و یا مشکلات محیطی و فرهنگی و تربیتی و... است، باید به خرج دهد تا در نتیجه با هم برابر باشند. در نهایت همه این تفاوت ها در نحوه چیدمان مسئولیت ها و تکالیف و میزان تاثیرگذاری اعمال آن ها در تحقق کمال انسانی شان و در نحوه محاسبه اعمال و پاداش دهی در قیامت به شکلی رقم می خورد که عدالتی بی بدیل حاصل می شود.

در عین حال فردی که در دنیا دچار مصدومیت و معلولیت هایی هم بود، از اجر و پاداش عظیم تحمل این درد و رنج نیز بهره مند خواهد بود، تا جایی که افراد دیگر به حال او غبطه خواهند خورد؛ پس یک فرد معلول هم می تواند به اندازه توان خود به وظایف و مسئولیت های انسانی خویش پرداخته، کمال انسانی خود را به دست آورده، آخرت آبادی را برای خود فراهم آورد. به علاوه که می تواند در سایه تلاش و کوشش هایش، دنیای زیبایی را نیز برای خود به وجود آورد، چنان که بسیاری از معلولان چنین کرده اند. البته همه آنچه گفته شد، در خصوص افراد ناقص الخلقه جسمی و دارای توانایی عقلی قابل قبول است. اگر فردی از توانایی عقلی مناسبی برخوردار نبود، تکلیفی نداشته، در نتیجه سعادت ابدی به آسانی و در نهایت با برخی آزمون های ساده در برزخ یا قیامت برایش رقم می خورد و نیاز به طی کردن مراحل سخت آزمون

های

دنیا

را

ندارد.

برای آگاهی بیش تر ر.ک: عدل الهی، شهید مطهری، بحث راز تفاوت‌ها.